

16 مارچ 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

آخرین بیانیہ مارشال قسیم فہیم در پنجشیر

ہفتہ گذشتہ مورخ 18 حوت 1396 (9 مارچ 2018م) مصادف بہ چہارمین سالروز وفات مارشال محمد قسیم فہیم - سابق معاون اول رئیس جمہور پیشین حامد کرزی بود کہ طبق معمول ہمہ سالہ طی یک محفل بزرگ در زیر خیمہ لویہ جرگہ بہ اشتراک جم غفیری از اراکین دولت، شخصیت های زمان جہاد و مقاومت و دوستان مرحومی در کابل دائر گردید. در این محفل تعدادی از شخصیت های سرشناس و همکاران اسبق مارشال فہیم دربارہ کار کردہا و فعالیت های مہم او صحبت های کوتاہ و دراز کردند و ہر یک بہ نوبہ خود بہ تعریف و توصیف او پرداختند کہ انعکاسی وسیع در رسانہ های داخل کشور داشت. اما مقارن بہ ہمین روز یک کست صوتی مارشال فہیم در فیسبوک بہ نشر رسید کہ حاوی سخنرانی طولانی او در آخرین روزهای زندگی اش در حضور جمعی از ہموطنان و حلقہ خصوصی دوستان در پنجشیر بود. یکی از حضار، با آنکہ مارشال دوبار او را از ثبت آواز ممانعت کرد، باز ہم توانست تا یک قسمت زیاد بیانیہ او را ثبت نماید.



وقتی سہ چہار روز قبل صفحہ فیسبوک خود را باز کردم، نظرم بہ عنوان مطلب منتشرہ این کست افتاد و سرتا پای آنرا شنیدم و سپس با خود گفتم کاش میتوانستم آنرا بہ قید قلم آورم تا بہ حیث یک سند نوشتاری درج اوراق تاریخ شود.

روز بعد بار دیگر آن موضوع نظرم را در فیسبوک جلب کرد، اما توأم با نوشتہ ای برگرفته از بعضی قسمت های متن کست کہ ضمن تبصرہ های کوتاہ بوسیلہ محترم محمد عارف منصور (سابق دیپلمات) بہ نشر رسیدہ بود. وقتی متن

ایشان را خواندم، علاقہ ام با آن بیشتر شد و با ارسال پیام شخصی از جناب منصور صاحب خواہش کردم تا متن مکمل آنرا - اگر داشتہ باشند، برایم ارسال دارند.

از لطف شان ممنونم کہ فوری آنرا بہ آدرس ایمیل فرستادند و علاوہ کردند کہ متن توسط شخصی دیگری از روی کست بہ قید قلم آورده شدہ است. متعاقباً از ایشان اجازہ نشر آنرا طلب کردم کہ با مہربانی قبول کردند. اینک متن مکمل این بیانیہ مارشال فہیم را کہ بیانگر مکنونات قلبی و راز های دورنی اش بود، عرض مطالعہ علاقمندان خدمت تقدیم میدارم. ولی قبل از آن، لازم میدانم بطور فشرده بہ معرفی مارشال فہیم بپردازم و دربارہ اہم رویدادہای زندگی او کارکردہایش مختصرنکاتی را بہ عرض برسانم کہ خالی از دلچسپی نخواہد بود:

د پانو شمیرہ: لہ 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

مارشال قسیم فهیم کی بود و چگونه بقدرت و شهرت رسید؟

مارشال محمد قسیم فهیم پسر مولوی عبدالمتین در منطقه "عمرض" پنجشیر در سال 1336 ش چشم به جهان گشود، مکتب ابتدائیه را در زادگاه خود خواند و بعد به کابل آمد و در مدرسه دارالعلوم عربیه شامل گردید و از همان وقت شامل دسته ای "جوانان مسلمان" شد.

مارشال فهیم پس از کودتای ثور 1357 برای شرکت در جهاد به پاکستان رفت، اما پس از مدت چند ماه به پنجشیر برگشت و در کنار قوماندان احمد شاه مسعود علیه رژیم کمونیستی خلق و پرچم به مبارزه پرداخت. هنگام مصالحه مسعود با قوای شوروی، او هم در کنارش آرام گرفت و اما وقتی مصالحه به پایان رسید و جنگ با رژیم کابل آغاز شد، قسیم فهیم به حیث یکی از قوماندانهای مسعود بار دیگر به مبارزه ادامه داد. (برای شرح مزید در مورد مصالحه مسعود با شوروی دیده شود: متن موافقتنامه و پروتوکل منعقد ماه دسمبر 1988- بصیر صبا: "از تصرف کابل تا سقوط مزار"، چاپ پشاور، 1379، صفحه 67 تا 70)

قوماندان قسیم فهیم پس از سقوط رژیم کمونیستی داکتر نجیب بتاریخ 8 ثور 1371 با قوای مسعود به کابل آمد و در دوره حکومت استاد ربانی برایش رتبه جنرالی اعطا گردید و به حیث وزیر امنیت ملی گماشته شد و در جنگ های داخلی بین تنظیمها، به حیث یک عضو ارشد شورای نظار فعالانه اشتراک داشت.

حینیکه قوای طالبان در ماه سنبله 1375 از تنگی حصارک غلجائی برای تسخیر جلال آباد حرکت کردند، قوای حکومتی با ساز و برگ زیاد و سنگین به قوماندانی جنرال قسیم فهیم وزیر امنیت ملی به معیت وحیدالله سبواون (وزیر دفاع گماشته از طرف حکمتیار) برای مقابله با طالبان و دفاع از جلال آباد به آنطرف سوق داده شد و اما این قوا نتوانست داخل جلال آباد شود و زیر فشار نظامی طالبان از ساحه کانال "درونه" مجبور به عقب نشینی شد و در حصه "سروبی" سنگرگزین گردید. آنها در محل "تنگی ابریشم" بار دیگر عقب نشینی کردند و این بار تعداد زیاد وسایل و وسایط زره دار و موتوری خود را بجا گذاشتند که همه در دست قوای طالبان افتاد. وقتی قوای حکومتی به تاریخ 5 میزان 1357 ش در ساحه بتخاک در صدد مقاومت برآمد، با وجود استفاده از قوای هوایی و زمینی، باز هم قوای حکومتی در تنگنا قرار گرفت و مجبور به عقب نشینی شد و تمام وسایل و تجهیزات خود را بار دیگر در میدان جنگ گذاشت. در همین آوان حکومت استاد ربانی و قوماندان مسعود وقتی خطر سقوط حتمی کابل را بدست طالبان احساس کردند، تصمیم گرفتند به سرعت کابل را تخلیه و با مقداری از سلاح خفیفه و ثقیله به جانب پنجشیر روانه شوند. (برای شرح مزید دیده شود: عمرزاد، فضل الهی: "یک صد و یک روز در شمال افغانستان"، پشاور، 1379، صفحه 6 تا 18)

از آن به بعد مرحله حکومت سیار و سرگردان استاد ربانی در صفحات شمال کشور آغاز گردید و جنگ های متعدد بین طالبان و قوای جبهه متحد شمال بوقوع پیوست که در اثر آن طالبان توانستند قدم بقدم با وجود تلفات سنگین به 90 فیصد خاک افغانستان دست یابند و ساحه سلطه خود را گسترش دهند.

در این موقع روابط طالبان با امریکا به دلیل موجودیت اسامه بن لادن و عملیات تروریستی القاعده برهم خورد و امریکا به کمک قوماندان احمد شاه مسعود پرداخت و خواست مسعود و قوای شمال را

در برابر طالبان بسیج و تقویه نماید و برای این منظور مبالغ گزاف را در اختیار آنها قرار داد. این تغییر موجب شد تا القاعده و طالبان به همدستی پاکستان در صدد از بین بردن مسعود افتند و اینکار را بوسیله دو تروریست عرب تبار بتاريخ 19 سنبله 1380 ش (9 سپتمبر 2001م) انجام دادند. پس از شهادت مسعود امور نظامی شورای نظار بدست جنرال فهیم افتاد.

دو روز بعد از شهادت مسعود، حادثه حمله بر دو آسمان خراش بزرگ مرکز تجارت بین المللی در نیویارک صورت گرفت که امریکا مسئولیت آنرا بدوش القاعده و حامیانش یعنی طالبان انداخت. امریکا بتاريخ 15 میزان 1380 ش (7 اکتوبر 2001م) حمله بر طالبان را به کمک بعضی از رهبران اتحاد شمال آغاز کرد که جنرال قسیم فهیم به حیث جانشین نظامی مسعود، یکی از مهره های اصلی این همکاری با امریکائی ها بود. پس از سقوط مزارشریف که قوای طالبان خود را در حال سقوط دیدند، بتاريخ 12 نوامبر تصمیم گرفتند تا بسرعت شهر کابل را ترک کنند. در این موقع قوای جبهه شمال، بالاخص شورای نظار- به سرکردگی نظامی جنرال فهیم بدون مشکل و فارغ از برخورد وارد کابل شدند و بساط حکومت خود را پس از 5 سال فرار و گریز باردیگر در کابل هموار نمودند.

در همین زمان برای رفع خدای قدرت بتاريخ 21 نوامبر 2001 کنفرانس "بن" دائر گردید که هیئت جبهه شمال تحت ریاست محمد یونس قانونی به اشتراک قسیم فهیم با دیگر هیئت ها در آن کنفرانس اشتراک کردند. با رویکار آمدن حکومت مؤقت در راس آن حامد کرزی، جنرال قسیم فهیم به حیث یکی از معاونین رئیس اداره مؤقت و همچنان وزیر دفاع در کنفرانس "بن" برگزیده شد که این دو وظیفه را تا ختم دوره حکومت انتقالی و انتخابات ریاست جمهوری در سال 2004 بعهده داشت. حامد کرزی در همان آغاز دوره مؤقت، فهیم را به بلند ترین رتبه نظامی "مارشالی" که تا آنوقت در تاریخ کشور فقط یک نفر به آن رسیده بود (مارشال شاه ولیخان عم پادشاه سابق)، ارتقا داد. جنرال قسیم فهیم که هیچگاه در رشته نظامی تحصیل نکرده و حتی فراغت او از مدرسه دینی دارالعلوم عربی دقیقاً معلوم نیست، مثل سائر جوانان شامل در جبهه شمال که در ماه ثور 1371 به رتبه جنرالی رسیده بود، در ماه جدی 1380 ش به رتبه مارشالی مفتخر شد. شایعات میرساند که اعطای این رتبه به استشاره امریکائی ها به دلیل همکاری نزدیک او با قوای امریکائی در سقوط طالبان بوده است. (والله اعلم)

پس از انفاذ قانون اساسی، در انتخابات ریاست جمهوری 1383 (2004م) که حامد کرزی یکی از کاندید ها بود، مارشال فهیم را از نظر انداخت و بجای او ضیاء مسعود را به حیث معاون اول خود معرفی کرد. فهیم از آن تاریخ تا پنج سال بعد بیکار بود و در این مدت بعضاً از رئیس جمهور کرزی انتقاد و صریحاً شکایت میکرد. او همواره بر حضور مجاهدین در دولت افغانستان تأکید داشت و در یکی از سخنرانی های خود که در آنوقت در غازی سنتدیوم ایراد کرد، گفته بود که اگر کسی تلاش کند مجاهدین را از قدرت کنار بزند، «سلاح بدست خواهد گرفت و به کوه بالا خواهد شد» و نیز به تلاش های شماری از تکنوکرات های از غرب برگشته برای به قدرت رسیدن در افغانستان اشاره کرد و گفت که: «اجازه نمی دهد آنهایی که پاسپورت دوگانه دارند بر افغانستان حکومت کنند.» مارشال فهیم در همین وقت به تشکیل یک ائتلاف سیاسی بنام "جبهه ملی" پرداخت که بیشتر منتقدان دولت در آن اشتراک داشتند.

هوا و فضای مخالفت فهیم با حامد کرزی دفعتاً وقتی تغییر کرد، طوریکه حامد کرزی در دومین انتخابات ریاست جمهوری (2009م) بار دیگر به مارشال فهیم روی آورد و او را به حیث معاون

اول خود معرفی نمود و چون رقیب انتخاباتی کرزی در دور دوم داکتر عبدالله عبدالله بود، کرزی اینکار را میدانست و مارشال را در برابر داکتر عبدالله قرار داد. داکتر عبدالله زیر فشار نماینده سرمنشی (کای آیدی) و موجودیت مارشال، از ادعای خود منصرف شد و تن به قبول زعامت حامد کرزی داد.

ناگفته نماند که مارشال فهیم حین کمپاین انتخاباتی ریاست جمهوری دوره دوم کرزی بتاريخ 4 جوزای 1388 (26 جون 2009) در ولسوالی "خان آباد" ولایت قندز در محلی مسمی به "دو راهی" مورد سوء قصد قرار گرفت و اما از آن جان به سلامت برد. با برنده شدن دراماتیک حامد کرزی در انتخابات ریاست جمهوری 2009 مارشال فهیم تا آخر زندگی به حیث معاون اول رئیس جمهور ایفای وظیفه کرد و فقط یک ماه به انتخابات دور سوم ریاست جمهوری باقیمانده بود که به تاریخ 18 حوت 1392 به عمر 57 سالگی دفعتاً پدروود حیات گفت.

اگرچه علت مرگ او را ناشی از مریضی که عاید حالش بود، اعلام کردند، اما شایعاتی هم در زمینه وفات ناگهانی او در بین مردم پخش گردید. تشییع جنازه مارشال با تشریفات فوق العاده نظامی در ارگ ریاست جمهوری برگزار گردید و سپس بتاريخ 20 حوت 1392 (11 مارچ 2014م) جسدش را طی مراسم شاندار بر فراز یکی از تپه های شمال کابل در ساحة مسمی به "بادام باغ" به خاک سپردند و به این مناسبت دولت سه روز عزای ملی را اعلام کرد. قابل ذکر است که آرامگاه او اکنون به یکی از مجلل ترین مقابر شخصیت های معاصر افغان مبدل شده است که نظیر ندارد و در بین مردم موجب تبصره های بالا و پایان گردیده که چرا دولت یک ساحة بزرگ را در نفس شهر کابل به برای او اختصاص داده و نیز پول اعمار این مقبره بزرگ از کجا تدارک شده است؟



رئیس جمهور کرزی متعاقباً محمد یونس قانونی را بحیث جانشین مارشال متوفی به ولسی جرگه معرفی کرد که با تأیید اکثریت اعضای آن جرگه، موصوف به آن مقام منصوب گردید. "طلوع نیوز" دو سه روز

بعد از وفات مارشال فهیم به چند نکته از خدمات او اشاره کرد و نوشت که همکاری با قوای امریکائی در شکست طالبان، اشتراک در کنفرانس بن، بسیج کردن قوای جبهه شمال به حمایت از اداره مؤقت، خلع سلاح یک قسمت از قوای مجاهدین و ادغام آن به اردوی ملی و بالاخره پاکسازی بعضی قسمت ها از وجود طالبان، از جمله کارهای مهم مارشال فهیم محسوب میشود. مارشال فهیم در ماه جوزای 1391 یعنی چند ماه قبل از وفات خود طی یک مجلس رسمی چنین گفت: «عامل

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

پنجاه درصد نا امنی افغانستان، آزرده‌گی و بی تفاوتی فرماندهان و مجاهدینی است که در افغانستان حضور دارند و در میان مردم خود نقش دارند، اما خود را بی تفاوت می‌گیرند و می‌گویند که ما در درون حکومت نیستیم... مشکل ما این است که هر قوماندان، هر مجاهد و هر کسی که حالا انرژی کار هم ندارد، از ما خفه است و می‌گوید که شما به حکومت رفتید، ما چه شدیم؟ ما به آنها می‌گوئیم که دولت و حکومت کوچک است و یک تعداد معدود می‌تواند در دولت باشد.» این انتقاد از سوی حلقه‌های مشخصی در افغانستان بارها مطرح شده که نظام افغانستان، سهمی به گروه‌های مجاهدین در قدرت نداده است، درحالی‌که این ادعا واقعیت ندارد و در ده سال گذشته، بخشی از اعضای کابینه افغانستان و اغلب مقام‌های کلیدی در امور ملکی و نظامی در دست عده‌ای از چهره‌های سابق جهادی و بخصوص حزب جمعیت و شورای نظار بوده است.

مارشال فهیم در یک محفل دیگر در سال 2011 طی یک سخنرانی گفت: «اگر ما یک نظام نیم‌بندی را که وجود دارد بخواهیم سقوط کند و بشکند، بالاخره چه خواهد شد؟ این کشور صوبه‌ای (ایالت) یکی از کشورهای دیگر خواهد بود و آن وقت، باز شلاق و بر مردم افغانستان حکومت خواهد کرد... بنا بر این، خواهش من این است که باید یکی دیگر را بپذیریم و تحمل کنیم. حرف‌های من هم متوجه دولتی‌ها و هم متوجه غیردولتی‌ها است که در مفاهیمات و در مذاکرات خود بتوانیم به یک نتیجه مثبت برسیم و یک گروهی را ایجاد کنیم که این کشور را از بدبختی بیرون بکشد.»

داکتر اشرف غنی، رئیس‌جمهور فعلی کشور در محفل چهارمین سالگرد وفات مارشال که هفته قبل در زیر خیمه بزرگ لویه جرگه دائر شد، گفت که او: «همواره مدافع وحدت ملی و مخالف تبعیض و تعصب و تفرقه بود و در حفظ تمامیت ارضی کشورش نقش کلانی را ایفا کرد.»

در این حال وقتی به محتوای سخنرانی مارشال فهیم در پنجشیر نظر انداخته شود، آنوقت معلوم میشود که بین مکثات قلبی او آنچه را که در حلقه دوستان همراز خود بیان می‌کرده، با آنچه در رسمیات بزبان می‌رانده است، تفاوت‌های قابل توجه دیده میشود که اینک برای ثبوت این موضوع توجه را به متن سخنرانی او در پنجشیر جلب میدارم:

(ادامه در بخش بعدی)